

گزارشی درباره معادلات نفت در پسا کرونا

غروب عصر خام‌فروشی

نماینده سابق ایران در اوپک در گفت‌وگو با «وطن امروز»: نفت شیل همانگونه که ظهور و بروز زود هنگام داشت، افول زود هنگامی هم خواهد داشت

سید احسان حسینی: سقوط تاریخی قیمت نفت خام وست‌تگزاس اینترمدیت آمریکا (WTI) در بازار فیوچر به نزدیک منفی ۴۰ دلار به ازای هر بشکه، بزرگ‌ترین خیر اقتصادی از تبعات شیوع ویروس کرونا در جهان بود. ۲ هفته پس از آن رخداد تاریخی، هر چند دیگر بازار نفت کابوس قیمت منفی را گذرانده اما هنوز به سطح قیمت پیش از کرونا بازنگشته است. همچنین ضربات جدی کاهش قیمت نفت به کشورها و شرکت‌های تولیدکننده نفت، سایه سنگین ورشکستگی را بر سر بخش بزرگی از صنعت نفت بویژه نفت شیل آمریکا گسترانده است.

ایران اما در این تحولات دچار کمترین نوسان شد. افت قیمت نفت خام ایران به کمتر از ۲۰ دلار در هر بشکه هر چند در کنار تحریم فشار مضاعفی بر مرادهای نفتی ایران آورد اما خروج تمحیلی ایران از بازار نفت به دلیل تحریم‌های یکجانبه آمریکا و افت رقم صادرات نفت کشور به کمتر از ۵۰۰ هزار بشکه طبق آخرین تخمین‌ها، باعث شد سقوط قیمت نفت کمترین تاثیر را نسبت به سایر کشورهای نفتی بر ایران داشته باشد. هم‌زمانی تحریم فروش نفت ایران با شدیدترین افت قیمت نفت موجب شد بار دیگر جدال قدیمی ۲ تفکر در موضوع نحوه رهبری صنعت نفت به رسانه‌ها کشیده شود. پس از افت قیمت نفت بر اثر شیوع کرونا در جهان، مدافعان توسعه صنایع پایین‌دستی باز هم بر درستی نظر خود نسبت به لزوم فاصله گرفتن از خام‌فروشی نفت و رو آوردن به توسعه صنایع پایین‌دستی و تولید فراورده‌های متنوع نفتی تاکید کردند. در واقع وقایع اخیر بازار جهانی نفت به شکلی آشکار، استدلال مدافعان «حداکثرسازی سهم ایران از بازار نفت خام جهان» را باطل کرد. همه این اتفاقات در حالی افتاد که بودجه سال جاری کشور با فرض فروش یک میلیون بشکه در روز نفت خام با قیمت ۵۰ دلار به ازای هر بشکه بسته شده است. همان روزهای تحویل لایحه بودجه سال ۹۹ به مجلس البته اعتراض‌ها به این اعداد و ارقام مطرح شد اما مجلس دهم طبق روال معمول خود، تغییر خاصی در تصمیم دولت نداد. اکنون با وقوع تحولات اخیر ناشی از شیوع کرونا و نزدیک شدن به شروع به کار مجلس یازدهم، بحث‌هایی درباره اصلاح برخی مواد لایحه بودجه مطرح شده است.

تحولات تاثیر گذار کرونا بر اقتصاد ایران امر صرفا به اعداد و ارقام بودجه محدود نمی‌شود. تغییر مناسبات و معادلات جهانی بی‌شک نحوه مواجهه کشور با مسائل مختلف را دستخوش تغییر خواهد کرد. در این رابطه، نماینده سابق ایران در اوپک گفت: سازمان‌های موجود بین‌المللی بخشی از قابلیت‌ها و ربط خود را با جهان کنونی از دست داده‌اند اما زمینه، شرایط و ظرفیت برای تشکیل چیزی به عنوان جایگزین اوپک هم فراهم نیست. در پسا کرونا تولیدکنندگان نفت خام، امروزه به طور فزاینده‌ای مصرف‌کنندگان نفت خام تولیدی خود می‌شوند؛ در نتیجه ضرورت وجود سازمان‌های بین‌المللی از اساس تحت‌الشعاع قرار می‌گیرد. با شیوع گسترده ویروس کرونا در جهان مناسبات سیاسی و اقتصادی موجود در حال تغییر است، به گونه‌ای که صاحب‌نظران در تقسیم‌بندی‌های خود به جهان قبل از شیوع کرونا و جهان پسا کرونا اشاره می‌کنند. در این بین تاثیر ویروس کرونا بر اقتصاد کشورها و بویژه تحولات بازار نفت قابل ملاحظه بوده است. افت شدید تقاضای نفت در دنیا، کاهش قیمت نفت به زیر ۱۰ دلار به ازای هر بشکه، منفی شدن قیمت نفت در بازار فیوچر بورس آمریکا و اجماع غول‌های نفتی دنیا برای بازگشت ثبات به بازار نفت از جمله تحولات اخیر این حوزه بوده که پالس‌هایی از دورنمای بازار نفت در آینده ارسال می‌کند. در این راستا برای بررسی دقیق‌تر تحولات آتی بازار نفت و رمزگشایی از جایگاه نفت در دنیای پسا کرونا با فریدون برکشلی، نماینده سابق ایران در اوپک و رئیس دفتر مطالعات انرژی وین به گفت‌وگو نشستیم. مشروح این مصاحبه به شرح زیر است.

■ در حال حاضر اوپک جایگاه سابق خود را برای مدیریت

بازار جهانی نفت از دست داده است و در مدیریت بازار دیگر تاثیر گذاری لازم را ندارد. با توجه به همکاری کم سابقه همه کشورهای تولیدکننده نفت برای بازگرداندن ثبات به بازار، آیا امکان ایجاد نهادی بین‌المللی تر برای مدیریت بازار وجود دارد؟ نهادی که همه تولیدکنندگان از جمله آمریکا، روسیه و عربستان در آن حضور داشته باشند.

قدیان، وزیر نفت عراق در اجلاس ۶ دسامبر ۲۰۱۹ بود که اعلام کرد کشورش قصد دارد سپتامبر ۲۰۲۰، میزبان اجلاس وزرای نفت اوپک در بغداد باشد تا شصتمین سالگرد شکل‌گیری سازمان اوپک را به جشن بزرگ و واقعه‌ای تاریخی و به یادماندنی بدل کند. امروز اما با گذشت کمتر از ۴ ماه از آن روز دیگر کسی از برگزاری جهانی نفت در اسفندترین روزگار خود به سر می‌برد و ویروسی از راه رسید که همه جهان را درگیر کرد. اما این مطلب کاملا درست است که اوپک تا سال ۲۰۰۰ میلادی نزدیک به ۶۰ درصد از عرضه تجاری نفت جهان را تامین می‌کرد؛ مشکلات و پستی و بلندی‌های مهمی را پشت سر گذاشته بود و می‌توانست در بازار جهانی نفت تعیین تکلیف کند اما بتدریج شرایط تغییر کرد. تولیدکنندگان موسوم به غیر اوپک و در رأس آنها روسیه به بازار جهانی وارد شدند. اوپک برای ثبات بازار و حفظ قیمت، به طور مرتب تولید جمعی خود را کم کرد اما تولیدکنندگان تازه‌وارد سهم اوپک را می‌بلعیدند و از آن خود می‌کردند.

اوپک به این منظور با تولیدکنندگان غیر اوپک مذاکره کرد و به آرامی زمینه ورود اعضای غیر اوپک به فرایند مدیریت بازار فراهم شد؛ مسیری بسیار دشوار و نفسگیر اما به سود اوپک و غیر اوپک. این هماهنگی در ۲۰۱۵ از طرف مطبوعات نفتی «وپک‌پلاس» خوانده شد ولی هرگز شکل رسمی و سازمان‌یافته‌ای پیدا نکرد. یک پیمان همکاری و عموما هم مسدود بود که نامحدود نبود. تولیدکنندگان نفت خام غیر اوپک و روسیه، به دنبال ایجاد یک عهدنامه دائمی از جنس سازمان اوپک نبودند. البته دبیرخانه این ارتباطات، در همان دفتر و مقر اوپک در وین مستقر شد.

اما ورود زود هنگام و تهاجمی نفت شیل به بازار، در مدت کوتاهی قواعد بازار را به هم ریخت. آمریکا که سال ۲۰۱۶ با واردات ۷/۴ میلیون بشکه در روز، پس از چین دومین واردکننده نفت جهان بود، ابتدا خودکفا و سپس صادرکننده نفت خام و فرآورده خالص شد. البته در عین حال انواعی از نفت خام هم وارد می‌کرد اما در تراز نفتی، دیگر خود صادرکننده شد. در نتیجه من احساس می‌کنم بازار جهانی نفت و بلکه اقتصاد جهان پس از کرونا، گردیدسی‌های مهمی را تجربه خواهد کرد. نشانه‌های آن کم‌کم بیش دیده می‌شود اما هنوز تعریف و درک درست یا کاملی از این نهاد بین‌المللی که احتمالا در دوران پسا کرونا بازار جهانی نفت را مدیریت خواهد کرد، نداریم. در واقع ما امروز بازار جهانی نفت را به حال خود رها شده می‌بینیم و بازار به سخن هیچ کس اعتنایی ندارد.

البته در حال حاضر بازار، تجربه و دستورالعمل‌های گروه ۲۰ را هم داشت. رفتار بازار تابع قواعدی است که اکنون از هم فروپاشیده است. بازار واکنشی نسبت به کاهش تولید توسط تولیدکنندگان ندارد. طرف تقاضا از کار افتاده و کسی نمی‌داند که چگونه بازسازی خواهد شد. چین موتور رشد مصرف جهانی نفت بود. تولیدکنندگان خاورمیانه به بازار چین و البته آسیای جنوب شرقی توجه زیادی داشتند. این بازار فروپاشیده است و درباره زمان و چند و چون بازگشت آن به شرایط عادی با قاطعیت نمی‌توان نظر داد. تولیدکنندگان هم بنا به دلایل فنی و همچنین به دلیل رقابت با یکدیگر، تلاشی برای مدیریت و هماهنگی میسران عرضه خود انجام ندادند. بازارها، مخازن ذخیره‌سازی، پالایشگاه‌ها، نفتکش‌ها و مخازن روی آب از نفت خام بدون خریدار و بدون مصرف‌کننده، لبریز شده‌اند. حال اینکه نهادی جایگزین اوپک یا اوپک‌پلاس شود، می‌تواند محقق شود ولی نه در بستر شرایط کنونی بازار، یعنی جهانی که مطلقا مدیریتی ندارد. زمانی آمریکا و شوروی

سابق، هر یک سهمی از مدیریت جهانی را به عهده داشتند اما الان دنیا دیگر نیروی برتری ندارد. آمریکا هم خاورمیانه را رها کرده یا سعی دارد خاورمیانه را با آمریکای لاتین تاخت بزند. سازمان ناتو موجودیت خود را از دست داده است. گروه ۲۰ و گروه ۷ هم موضوعیت و ارتباط خود با دنیای کنونی را از دست داده‌اند. بازار نفت به پتانسیل مصرف چین هم دیگر اعتمادی ندارد.

بنابراین این درست است که سازمان‌های موجود بین‌المللی بخشی از قابلیت‌ها و ربط خود را با جهان کنونی از دست داده‌اند اما زمینه، شرایط و ظرفیت برای تشکیل چیزی به عنوان جایگزین هم فراهم نیست. سازمان ملل متحد از میان خاکسترهای جنگ دوم جهانی بیرون آمد. حالا دنیای پسا کرونایی هنوز سایه روشنی از افق پیش رو نشان نداده است. کشورهای جهان بشدت درونگرا شده‌اند. چین هم پس از شروع جنگ تجاری-تورقه‌ای آمریکا، دریافت که باید به دنبال استراتژی توسعه درون‌محور باشد و باید اتکای خود به بده صادرات را کاهش دهد و به مصرف در بازار بزرگ داخلی خود اتکا کند.

■ آیا سیاست‌های ۲ کشور آمریکا و روسیه در ساختار جدید برای مدیریت بازار نفت قابل جمع خواهد بود؟

آمریکا و روسیه، ۲ نظام اقتصادی و نفتی متفاوت دارند. در اوپک بار قیمت شش‌بار بازار نفت آمریکا را به دوش کشید و هر آینه قیمت‌ها خیلی بالا می‌رفت، اوپک تولید خود را بالا می‌برد و هر وقت قیمت کاهش می‌یافت، اوپک تولید خود را کم می‌کرد. البته در این میان اوپک هم در ایفای نقش شنواری خود چندان ضرر نمی‌کرد.

صنعت نفت روسیه اما ساختاری متفاوت دارد. تعدادی شرکت بزرگ بخش اعظم تولید نفت و گاز روسیه را در اختیار دارند. در روسیه خطوط لوله انتقال نفت در اختیار و کنترل دولت است، لذا شرکت‌ها ناچارند اراده دولت را بپذیرند. برای شرکت‌های روسی، ارزش افزوده در ارزش آنها در بورس است. شرکت‌ها بیش از قیمت نفت خام، نسبت به ارزش سهام خود اهمیت می‌دهند.

بنابراین سیاست‌های نفتی این ۲ کشور چندان قابل جمع نیست. هنگامی که قیمت نفت خام شاخص WTI در آمریکا سقوط کرد و متعاقبا منفی شد، دولت آمریکا نتوانست کاری انجام دهد. حتی برای استفاده از مخازن استراتژیک هم نتوانست از کنگره مجوز بگیرد، زیرا قبل از آن رئیس‌جمهور ترامپ به طور غیرقانونی از مخازن نفتی استراتژیک برای مقاصد تجاری برداشت کرده بود. مخازن نفتی استراتژیک برای مدیریت بازار در شرایط عادی نیست. SPR یا «Petroleum Reserves» برای واقعیت‌های جنگی یا حوادث طبیعی و نظایر آن تدبیر شده است.

■ تقابل نفتی عربستان، آمریکا و روسیه را چگونه ارزیابی می‌کنید؟ در وضعیت فعلی آسیب‌پذیری کدام کشور نسبت به قیمت‌های پایین نفت بیشتر است؟

این ۳ کشور قدرت‌های عمده نفتی قرن ۲۱ هستند. عربستان و روسیه پیش از این هم تولیدکنندگان بزرگی بودند. آمریکا تا میانه قرن بیستم یک قدرت نفتی بود اما از سال ۱۹۵۰ دیگر در بازار جهانی حرفی برای گفتن نداشت. این ۳ کشور در حال حاضر ۳ بر قدرت نفتی جهان هستند. همانطور که در پرسش قبلی هم اشاره‌ای شد، روسیه و آمریکا نظام‌های نفتی اجماع‌پذیری ندارند. برای عربستان هم نفت مهم‌ترین عنصر اقتصاد و ساختار سیاسی-اجتماعی محسوب می‌شود. در عربستان حدود ۵ هزار شاهزاده ذکور هر کدام به میزان نزدیکی به هسته قدرت مرکزی خاندان آل‌سعود، از درآمد نفت سهم دارند. البته تمام نفت توسط آرامکو تولید می‌شود.

عربستان نسبت به نفت نگاهی بلندمدت و استراتژیک دارد. بویژه شخص محمد بن سلمان که طرح افق ۲۰۳۰ را برای عربستان طراحی کرده، نفت و درآمد حاصل از آن را

کانون تحقق اهداف خود می‌داند. آمریکا هم در بخش تولید نفت خام‌های متعارف، نگاهش نسبت به آن هنوز تا حدی استراتژیک است. البته چون عمر ذخایر نفت خام متعارف آمریکا کوتاه است، ابعاد استراتژیک چندانی هم ندارد.

در ارتباط با نفت خام‌های غیرمتعارف شیل نیز نگاه آمریکا کوتاه‌مدت است. شیل همانگونه که ظهور و بروز زود هنگام داشت، افول زود هنگامی هم خواهد داشت. البته نمی‌توان نقش فناوری‌های جدید را نادیده گرفت اما بر اساس داده‌ها و اطلاعات کنونی، شیل عمر بلندی نخواهد داشت و در عین حال معلوم هم نیست که در صورت توقف یا کاهش تولید، در چه فاصله زمانی یا میزانی به تولید قبلی خود بازمی‌گردد. در ابعاد اقتصاد کلان هم این ۳ کشور را نمی‌توان با یکدیگر مقایسه کرد. عربستان یک اقتصاد تک‌محصولی وابسته به نفت دارد. اقتصاد آمریکا وسیع و بزرگ است. روسیه به درآمد حاصل از نفت بشدت وابسته است اما برنامه‌های بلندمدت صادرات گاز هم دارد. روسیه و عربستان هر یک حدود نیم تریلیون ذخایر ارزی دارند که برای کشورهای پر هزینه‌ای مانند روسیه و عربستان چندان زیاد نیست. هیچ یک از ۲ کشور نمی‌خواهند دارایی ارزی خود را در سایه نفت بسیار ارزان از دست بدهند.

■ به نظر شما چین و اتحادیه اروپایی به عنوان مصرف‌کنندگان بزرگ نفت، در تحولات بازار نفت در دوران پسا کرونا چه نقشی داشته و چه سیاستی را اتخاذ خواهند کرد؟

چین و اروپا ۲ مصرف‌کننده بزرگ نفت هستند. البته چین حتی قبل از کرونا هم از ارقام بالای رشد تقاضای نفت فاصله گرفته بود. جنگ تجاری آمریکا و چین بر رشد تولید ناخالص چین تاثیرات نامطلوبی بر جا گذاشته بود ولی باز حتی قبل از آغاز نبرد تعرفه و تجارت بین آمریکا و چین، گزارش‌های دبیرخانه اوپک حکایت از آن داشت که چین در واقع از نقطه اوج مصرف نفت عبور کرده و دیگر یک مصرف‌کننده استثنایی محسوب نمی‌شود. در عین حال بقیه آسیا را هم نباید فراموش کرد؛ در هر صورت قرن بیست‌ویکم، قرن آسیاست و بزرگ‌ترین تولیدکنندگان نفت و گاز و بزرگ‌ترین مصرف‌کنندگان نفت جهان، کشورهای آسیایی هستند و آسیا فقط چین نیست. اروپا هم یک مصرف‌کننده مهم است اما روند مصرف آن کاهش است. سیاست‌های محیط‌زیستی سخت‌گیرانه، رشد انرژی‌های تجدیدپذیر و نو و از اینها مهم‌تر، سیاست‌های مالیاتی دولت‌های اروپایی، فضا را برای تاثیر گذاری نفت دانما تنگ‌تر کرده است. امروز میزان مالیاتی که دولت‌های اروپایی از بابت تولید و مصرف فراورده‌های نفتی به دست می‌آورند، از درآمد کشورهای عضو اوپک از بابت صادرات نفت خام بیشتر است.

در واقع تولیدکنندگان نفت خام، امروزه به طور فزاینده‌ای

مصرف‌کنندگان نفت خام تولیدی خود می‌شوند. در یک افق گسترده‌تر، تولیدکنندگان بزرگ که عموما در آسیا هستند، نفت و فراورده‌های خود را در آسیا مصرف خواهند کرد. چنانچه ابعاد درونگرایی و درون‌محوری کشورها گسترش پیدا کند، ضرورت و مفهوم سازمان‌های بین‌المللی هم تحت‌الشعاع قرار می‌گیرد.

■ آیا می‌توان شیوع ویروس کرونا را آغازی بر پایان عصر نفت دانست؟

جواب بنده به این سوال منفی است. فکر می‌کنم ما چیزی تحت عنوان پایان عصر نفت نداریم. البته پاره‌ای از واقعیت‌ها وجود دارد. الان ۲۰ سال است شرکت‌های نفتی از لیست ۱۰ کمپانی ممتاز جهان خارج شده‌اند. حالا ارزش کمیانی منتفلیکس از شورون و توتال بیشتر است. قیمت سهام آمازون و علی بابا از اکسون موبیل بیشتر است. جابه‌جایی‌ها در قدرت اقتصادی کمیانی از نفت به سوی شرکت‌های خدماتی و نرم‌افزاری در جریان است. لیکن اینها بدین معنا نیست که عصر نفت به پایان رسیده است.

میلیاردها بشکه نفت خام در زیر زمین باقی خواهد ماند و فرصت استخراج پیدا نخواهد کرد. همان‌طور که صد‌ها میلیون تن زغال سنگ برای همیشه در زیر زمین باقی مانده است. البته گاز شانس بهتری دارد. در هر صورت سال ۲۰۱۸ میلادی ۲۷ درصد از انرژی مصرفی جهان از زغال سنگ به دست آمد. همین قاعده درباره نفت هم قابل تسری است. عصر نفت پایان نمی‌یابد اما از رشد شتابان آن کاسته خواهد شد. البته این مطلب درست است که دنیای پسا کرونا در خیلی از زمینه‌ها با گذشته تفاوت خواهد داشت.

